

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۱/۰۲/۲۲

تلخیص نویس: شیر ساپی

بررسی تولد زبان فارسی - مدخل سوم

باب اول - درباره منابع زبان فارسی، بررسی متون فارسیهود

بر اساس یک بررسی ساده و با مراجعه به مجموعه هایی از مهم ترین لغت نامه های به ظاهر کهن فارسی و توشیحات و آراء و اقوال صاحب نظران حرفه ای در باب آن ها، معلوم شد که **فارسی اسناد اثباتی کهن و دستگاہ تولید واژگان ندارد**، که همراه زمانه روان شود، به وقت خود بزاید و یا پوست بیاندازد. بدین قرار شاهد تدوین اوراق گریم (چهره پرداز) کرده ای شدیم که با نصب ماسک کلماتی قاطعانه ساختگی و من درآوردی در مدخل دوم بررسی منابع زبان فارسی، نمایش زبان کهنه دنیا دیده ای را به صحنه برده اند، می خواهم با مراجعه به مندرجات آن اندک مستندات موجود، در پایان این بررسی های زبان فارسی، از مطلب نیم پنهانی پرده بردارم که هرچند دیدار از آن بسیار ناخوش آیند است، لیکن ریشه مکافات موجود در سطح منطقه را از خاک بیرون خواهد کشید و در منظر ملل شرق میانه قرار خواهد داد.

«سال هاست که ترکیب فارسی - یهودی در میان تحقیقات پژوهشگران ایرانی و یهودی، کاربرد و نشانه های فراوان دارد. در حالی که متخصصان و عامه خوانندگان این کلمه را برای دو وجه فرهنگی و ادبی زندگانی یهودیان ایران به کار می برند، این کلمه زمینه قانونمند تحقیقی است که تمام جوانب زندگی یهودیان ایران، شامل تمام مرزهای فرهنگی ایران را دربر می گیرد. به علاوه تحقیقاتی با عنوان فارسی- یهودی می کوشد تمام مواد ادبی کتبی و موضوعات و دست نویس های باستان شناسانه هنری و غیره را جمع آوری و مطالعه کند تا میراث تاریخی و فرهنگی یهودیان ایران را روشن تر کند.» (هومن سرشار، فرزندان استر، ص ۸۱)

بدین ترتیب برخورد با نمونه های متعددی از مکتوبات یهودی، که متون فارسی در زمینه های گوناگون را با خط عبری ارائه می دهد، حیرانی ویژه ای را در میان جست و جوگران فرهنگ و ادب شرق میانه موجب شده است.



سمت راست تصویر صفحه ۹۲ از کتاب فارسی - یهودی «خسرو و شیرین» نظامی. کتاب خانه حوزه علمیه یهود و سمت چپ تصویر صفحه ۶ از کتاب «یوسف و زلیخا» جامی در کتاب خانه دانشگاه الهیات یهودی در موضوع معراج پیامبر، با براقی به سیما و کلاه و آرایش شاه زادگان قاجاری!!!

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ



سمت راست تصویر صفحه ۱۵۴ از کتاب فارسی - یهودی «اردشیر نامه» شاهین. کتاب خانه حوزه علمیه یهود، با عنوان استر کورش کبیر فرزند شاه اردشیر را می زاید و سمت چپ تصویر صفحه ۱۰۷ از کتاب «موسی نامه» ی شاهین در موزه اسراییل اورشلیم با موضوع سوزاندن گوساله زرین به وسیله موسای پیامبر. شاید هنوز به طور کامل منظور از متون فارسی - یهودی را توضیح نداده باشم. برای آشنایی با این گونه اسناد به ترین مثال مواردی در وب است که کلمات فارسی را با الفبای انگلیسی می نویسند. اینک مجموعه های فراوانی از کتبی در اختیار مراکز و موزیم های یهودی است که از میان خطه های معینی از جغرافیای ایران و آسیای میانه جمع آوری کرده اند. در این کتاب ها، درست همانند همان وب نوشته های به اصطلاح فینگلیش و چنان که در چند نمونه بالا می بینید، تلفظ مجموعه ای از منابع فارسی کنونی را با حروف عبری نوشته اند. بی گمان این انبوه تدارکات کتبی با متون حکمی و فلسفی و ادبی و غیره را فقط برای جمعی می توان نوشت که بر لغت فارسی به کمال مسلط باشند و آن را زبان اصلی خود بدانند.

«اما موضوع مقاله حاضر گویش نیست، بل زبان فارسی-یهودی است، یعنی زبان مشترک ایران، بدان گونه که دست کم به مدت دوازده قرن نزد یهودیان کاربرد داشته است. امروزه همه یهودیان ایرانی در سخن گفتن، فارسی را به عنوان زبان اول و یا در جایی که با گویشی دیگر مقارن شود، همچون زبان دوم به کار می برند، همچنین فارسی ابزار انحصاری ادبیات است، چون گویش هایی که به آن ها اشاره کردیم صرفاً کاربرد شفاهی دارند. پس از آن که ادبیات فارسی - یهودی در قرن گذشته کشف شد، نسخه شناسان مختلف به خصوص و. باخر، در بین سال های ۱۸۸۰ و ۱۹۱۴ با جدیت در باره آن بررسی و تحقیق کردند. برخی از قطعات آن به چاپ رسید که با توجه به وسعت آن چه هنوز انتشار نیافته اندک است، اما برای آن که تصویری از شیوه فارسی نویسی یهودیان در ذهن ما به وجود آورد کافی است.» (ژیلبر لازار، شکل گیری زبان فارسی، ص ۳۲)

بنا بر این و بی توجه به تاریخ گذاری های لازار و تنها با مراجعه به گنجینه ای از این گونه کتاب های فارسی-یهودی و بنا بر استدلال های در دنبال، این سؤال عمده و تعیین کننده را پیش می کشم که این گونه فارسی نویسی با الفبای عبری از بابت کدام نیاز یهودیان پدید آمده است؟ اگر کسانی از میان عالمان یهود، که از جمله فارسی می دانسته اند، با این قصد که متون و میراث ادب فارسی را به میان عامه یهودیانی برند، که فارسی نمی دانسته اند، پس باید آن کتب را به زبان و لغت عبری ترجمه کنند، نه این که همان کلمات فارسی را با حروف عبری به نمایش گذارند. بنا بر این و منطقاً چنین کتاب های فارسی-یهودی در حقیقت چیزی جز این شناخته نمی شوند که مردمی با زبان و خط خویش کتاب نوشته اند، زیرا برای این همه تجدید نگارش و تولید این همه کتاب، نمی توان توضیح و توجیه و توجه دیگری ساخت. به یقین صاحبان خرد و عالمان اشاره شناس، بر مبنا و به فرمان خرد و اندیشه، با همین یک سؤال قانع شده اند که اصطلاح کنون فارسی-یهودی، با برداشت های جاری، یک شیادی دیگر برای گم کردن رد پای حقیقت است که یهودیان کهنه کار اختراع کرده اند، زیرا مجموعه ای که اینک فارسی - یهودی خوانده می شود، در نهاد خود کتاب هایی است که یهودیان با زبان رایج و تنها خطی که از آنان می شناسیم، در حوزه ای از تجمع خود، از خراسان بزرگ تا جنوب ایران می نوشته اند، پیش از این که بخواهند همان زبان را با جانشین کردن خط عرب، به جای خط عبری، به صورت ابزاری برای نو ملت سازی های هدفمند در آورند و بار تبلیغ فرق مذهبی را به دوش مردم آن بگذارند. در حقیقت گنجینه موجود در ادب ایران راهی مخالف آن بیموده است، که اینک جار می زنند و در واقع وادار شده ایم، با فیس و افاده، متن کتاب های به زبان و خط یهودیان را، تنها با تغییر نوع

خط، از عبری به عربی، در دو سه صد ساله اخیر، به خود نسبت دهیم. با این سؤال دیگر که اگر مجموع میراث ادبی و فرهنگی یهودیان ایران، انحصاراً به زبان فارسی و با خط عبری مدون است و آن را نشان‌گسترش زبان فارسی کهن در میان یهودیان ایران می‌گویند، آن گاه این سؤال سر بر می‌آورد که این فارسی دانان یهودی که در چنین گستره وسیعی بر زبان فارسی مسلط بوده‌اند، چرا مستقیماً از کتب فارسی استفاده نکرده و از بابت رفع چه نیازی مجبور به تجدید نگارش آن‌ها به خط عبری شده‌اند؟! چنین سئوالی باز هم پاسخی جز این ندارد که یهودیان متون زبان منطقه‌ای خود را با خط کهن و قومی خویش نوشته‌اند! حالا به جای پریدن به آسمان و پرخاش به این و آن، اگر کسی از میان مدعیان، توضیح و حتی توجیه دیگری برای وجود این همه متون متنوع فارسی - یهودی می‌شناسد، به شرط این که ماهیت مدخل را درک کرده باشد، بسم الله.

«زبان کتاب‌های فارسی-یهودی را باید از گویش‌های یهودیان ایران جدا دانست. یهودیان اصفهان، همدان، کاشان و پاره‌ای دیگر از نقاط مختلف ایران، نزدیکی قابل توجهی به زبان‌های پارسی میانه نشان می‌دهند. این گویش‌ها چه از نظر آواشناسی صرف و چه از لحاظ کمک به مبحث زبان‌شناسی ایرانی نیازمند تحقیق و تتبع است، آثار کتبی یهودیان ایران و ماوراءالنهر همه به خط عبری، اما به زبان فارسی نوشته شده است. لذا محققین این آثار را فارسی - یهودی می‌نامند. زبان این نوشته‌ها روی هم رفته همان فارسی کلاسیک است و جز در چند مورد استثنایی گویش یهودیان در آن به کار نرفته است». (آمنون نتصر، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران، ص ۱۳).

اینک تردیدها در این که یهودیان زبان خود را در کتاب‌های اصطلاحاً فارسی - یهودی می‌نگاشته‌اند، بر طرف و آن‌گره گشوده می‌شود که تعیین حوزه گسترش زبان به اصطلاح فارسی را دشوار می‌کرد: **بدین ترتیب فارسی زبانان منطقه‌ما، از خراسان تا اصفهان و کاشان و یزد و کرمان و افغانستان، در همان حوزه تجمع دیرین یهودیان جمع‌اند،** با این قید که حتی اگر به طور کامل بر صحت یافته‌های این مدخل جدید صحت گذاریم، باز هم نمی‌توان و نباید حیات و کاربرد و حتی ارزش‌یابی مناسب برای فارسی کنونی را که عصای دست ارتباطات اجتماعی و فرهنگی جماعات متعددی است، معطل گذاریم و در اعتلای آن نکوشیم، زیرا به محض ورود در حوزه شناخت، آدمی به دریافت حقایق مسئول و موظف می‌شود تا از طغیان و یا تمکین بی‌خردانه بازماند. چنان‌که آشنایی با ماهیت یهودی زبان فارسی نام موجود شاید کسانی را برانگیزد تا پرچم فارس ستایی معهود و متعارف را پایین‌تر از این نصب کنند.

«ادبیات یهود ایران در حقیقت شاخه مهمی از ادبیات فارسی است که تاکنون به علت عدم معرفی لازم و نا آشنایی مردم به خصوصیات آن از دامان مادر به دور مانده است. تا آن‌جا که نگارنده اطلاع دارد، تذکره نویسان ایرانی به آثار ادبی یهود ایران اشاره نکرده‌اند و گویا سبب اصلی عدم آشنایی آن‌ها به خط عبری بوده است». (آمنون نتصر، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران، ص ۱۷).

آیا فصیح‌تر از این می‌خواهید؟ نتصر می‌گوید که برای آشنایی با ادبیات ایرانی یهود، نیاز به دانستن زبان عبری نیست، کافی است بتوانید خط یهودیان را بخوانید! با این قید که نباید ادبیات فارسی را شاخه‌ای از ادبیات یهود گرفت، بل درست‌تر آن که بگوییم که با تغییر خط، از عبری به عربی، بر مجموعه ادبیات یهود عنوان فارسی بخشیده‌ایم. وسعت این گونه ادبیات یهود که اینک از آن نمونه‌های فراوان یافته‌اند، از نثر و شعر، تا به حدی است که بی‌تردید از وجود یک فرهنگ همه‌جانبه خبر می‌دهد و چنان متنوع است که نمی‌توان آن را حاصل تفنن و تقلید گرفت. **اگر حوصله کنید و کتاب آمنون نتصر را بیابید و بخوانید آن‌گاه در میان نمونه‌های شعری یهودیان و شاعران و نثر نویسندگان یهودی، که آثارشان را به شیوه اصطلاحاً فارسی-یهودی نوشته‌اند، به قدر کافی فردوسی و حافظ و گنجوی و مولانا و نثر نویسندگان به نام خواهید یافت، تا پاسخی برای آنان شمرده شوند، که از چپ و راست می‌پرسند: پس این همه شعر و کتاب را چه کسانی سروده و نوشته‌اند!!!**

حیرت‌انگیز است!!! یهودیان ایران که علاقه وافری به خواندن اشعار شعرای بزرگ ایران داشته‌اند، به جای خواندن دیوان این شاعران با خط فارسی، معلوم نیست به کدام علت همان متون فارسی را به خط عبری نوشته‌اند. **حالا می‌توان دریافت چرا ادبیات منظوم ما این همه فرمان‌خوش باشی و نابوری به روز جزا را، در خود نگه داشته است؟** «آشنایی دولت ایران و یهود در حدود دو هزار و پنجاه سال پیش آغاز گردیده و در کتاب مقدس، خصوصاً اسفار عزرا، نحیمیا، استر، دانیال و تواریخ ایام. شواهد تاریخی و لغوی در تأیید این آشنایی یافت می‌شود. نام شاهان ایران کورش، داریوش خساریارشا، و اردشیر و نیز القاب ایرانی چون ساتراپ و احشدریان و کلماتی چون **دات** (قانون، مذهب)، **گنز** (گنج) و **پردس** (باغ، فردوس) و بسیاری از القاب و کلمات دیگر که ریشه ایرانی دارد در کتاب مقدس به چشم می‌خورد. دامنه آشنایی به مرور زمان به دایره برخوردها و آثار متقابل مذهبی و فرهنگی کشیده شده به حدی که امروزه شناسایی کامل فرهنگ ایران و فرهنگ یهود بدون تحقیق و تتبع در آثار مذهبی و فرهنگی هر دو ملت ممکن نمی‌گردد». (آمنون نتصر، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران، مقدمه، ص ۹)

کتاب آمنون نتصر که بر پایه یافته‌های قرن اخیر از مندرجات متون و دیوان‌های فارسی - یهودی تدوین شده، در عین صراحت و سادگی حاوی مطالبی دوپهلوی است، که با اندک مرمتی در نگاه، مخفیگاه آنان را می‌توان شناخت. در این جا او نیز آغاز مراد و مزاجت بین دو ملت را با حضور کورش آزادکننده اسپران و ثروت بلوکه شده یهود در بابل آغاز می‌کند، از مبنای ورود کهن یهودیان به ایران می‌گوید و از تأثیری که این حضور در ارکان

هستی مادی و معنوی ایرانیان باقی گذارده است. با این همه سعی او در این باب که برخی لغات مندرج در تورات را برداشته ای از زبان فارسی بگوید، از آن که تحریر تورات یهودیان قرن ها بر اقدام کورش مقدم است، مورخ را و می دارد تا بی اعتنا از روی ادعای او عبور کند.

«ادبیات یهودیان ایران و ماوراءالنهر که به زبان فارسی و خط عبری نوشته شده و ادبیات فارسی یهودیان نامیده می شود شاخه ای از ادبیات فارسی است. این ادبیات که اغلب در محور موضوعات مربوط به تاریخ و مذهب یهود دور می زند از لحاظ ادبی، زبان شناسی ایرانی، جامعه شناسی یهود ایران و تاثیر متقابل دو ملتی که یکدیگر را دو هزار و پانصد سال پیش در شاهراه کلد و آشور ملاقات کرده اند با ارزش است. تار و پود ادبیات فارسی یهودی نموداری از رشته الفت به ادبیات و فرهنگ ایران زمین از یک سو، و رویای آخر زمان ظهور مسیح و رستگاری بشر از سوی دیگر است. بزرگ داشت فرهنگ ایران، غزلیات و اشعار عرفانی عطار، سعدی، مولوی، حافظ، ابن یمین و دیگران دوشادوش سخنان پیامبران اسرائیل در مجموعه ها و کتب مقدس یهود ایران به چشم می خورد. شعر فارسی یهودی گرچه در زیبایی الفاظ، استواری فکر و قدرت تخیل با به ترین اشعار برابری نمی کند، ولی ارزش و ماهیت آن را باید در کنار دورنمای تاریخی و سنتی ملت یهود جست و جو کرد.» (آمنون نتصر، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران، ص ۷۰، ۷۱)

کوشش این یادداشت های هنوز مقدماتی درست در همین جهت است که بدانیم آیا زبان جاری ما میراث بذل و بخشش های یهودیان در انتقال زبان یدیش شرقی خود به فارسیان است، تا سکوی پرشی برای سقوط در منجلاب آن افتخارات قلبی بگیرند که در ماهیت خود پرده ای بر محو عواقب قتل عام پوریم بوده است، یا این که یهودیان ساکن این منطقه، معلوم نیست چه گونه به میزانی فارسی می دانسته اند تا چند هزار کتاب با زبان فارسی و به خط عبری بنویسند که ماهیتا برای هیچ یک از طرفین کاربرد و نیاز منطقی ندارد، اما به هر حال اینک با انبوهی از این تولیدات آشنا شده ایم.

«اعتقاد یهود بر وجود مقابر انبیا و بزرگان مقدس آنان در خاک ایران چون آرامگاه دانیال در شوش، استر و مردخای در همدان، حقیوق در تویسرکان و دیدارگاه سارح بت آشور در نزدیکی اصفهان نمودار قدمت سکونت یهودیان در ایران است. اما درباره آغاز اسکان دسته جمعی خانواده های یهودی و احداث دیه ها و محلات در شهرهای ایران جز در مورد اصفهان و مشهد متاسفانه مدارک کتبی در دست نیست.» (آمنون نتصر، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران، مقدمه، ص ۱۰)

بنا به شواهد کافی، تعداد معینی از رابی های صاحب مقام مذهبی و دینی یهود و حتی چند نبی صاحب کتاب آن ها، به صورت آشکار و پنهان، در گوشه های پراکنده و دور از هم ایران دفن اند. چنین شواهدی برای مورخ به معاینه می گوید، که ماجرای حضور کهن یهودیان در ایران را نمی توان یک گذر حادثی و کوتاه مدت در مسیر تاریخ این سرزمین گرفت و اگر تعداد این بزرگان صاحب امتیاز در دین یهود، که مدفن شان را در ایران می گویند، از مجموع سران دین یهود در اورشلیم و دیگر نقاط جهان بیش ترند، پس باید پذیرفت در دوران معینی یهودیان با سرپرستی بزرگان دین و قوم خود، دستگاه مدیریت ایران را در اختیار داشته اند، این جا را سرزمین خویش می شناخته اند و دفن در ایران را حتی از به خاک رفتن در اورشلیم و حوالی هیکل سلیمان نیز برتر می شمرده اند!

« شاهین

موسی نامه

یوسف و زلیخا

اردشیر نامه

عمرانی

گنج نامه

فتح نامه

قصه هفت برادران

واجبات و ارکان سیزده گانه ایمان اسرائیل

انتخاب نخلستان

ساقی نامه

مناجات نامه

حکایت ده مقتول (نثر)

قربانی اسحاق (نثر)

تفسیر مسخت آبوت (رسالة اندرز پدران به نثر)

حنوکا نامه

خواجیه بخارایی

دانیال نامه

بابائی بن لطف

کتاب انوسی
یا الیا

الیشع بن شموئیل (راغب)

شاهزاده و صوفی
حنوکا نامه

یوسف بن اسحاق

آنطیوکوس نامه
مخمسات

بنیامین بن میثال

قربانی اسحق
مناجات نامه
احتراز نامه

پوریم (تفسیر منظوم کتاب استر)

غزل دوازده اسباط

سرگذشت امینا با همسرش

دلسرده شدن از زنان

قصیده قاضی

قصیده آجرپاره

چهل سؤال

سیمان طوب ممد

حیات الروح

یهود ابن داوید

مخزن الپند

یهودا (یحیی)

تمثال نامه هفت وزیران

شهاب یزدی

ای قدرت نما» .

(آمنون نتصر، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران، متن اصلی، ص ۵)

این اسامی و آثار تنها بخش بسیار کوچکی از مانده های شعرا و صاحب قلمان یهودی است که به زبان فارسی و با خط عبری یافته ایم و متن آن ها در کتاب آمنون نتصر آمده است. کار جمع آوری این مکتوبات لو دهنده نزدیک به ۱۲۰ سال است که همت اصلی مراکز و مهره های یهود در ایران و ماوراءالنهر است که به گمانه ای تاکنون نزدیک به دو هزار جلد می رسد و بی فوت وقت از دسترس خواننده ایرانی بیرون برده می شود. اگر یهودیان فارسی را در قالب منظوم نیز چنان به آسانی درک می کرده اند، که انبوهی شاعر و نغمه سرا از میان خود بیرون دهند، پس چنین حجم غریبی از گفتار فارسی-یهودی تنها برای استفاده اقلیتی فارسی دان نبوده است! از طریق مطالعه فقط چند سطر و برگ از این آثار، چنان که در ذیل می آورم، بر آن کسان که رگ های برافراخته تعصب به گردن دارند، احتمالاً معلوم خواهد کرد که تا چه میزان در منجلاب خیالات پریشان و ناممکن فرو رفته ایم.

«داستان یوسف و زلیخا که «احسن القصص» نامیده شده و تعدادی از شعرای زبردست پارسی گوی در ایران و هندوستان آن را به نظم کشیده اند محبوب ترین داستان یهودیان ایران و ماوراءالنهر است. گرچه ماخذ این داستان سفر پیدایش کتاب مقدس است، با وجود این یهودیان ممالک دیگر تا امروز نتوانسته اند از نکات شیرین آن استفاده کنند. آن چه شاهین به یهودیان ایران هدیه داده است بدون شک نتیجه تخیلات لطیف و ذوق داستان پردازی شعرا و داستان سرایان ایرانی است. یوسف و زلیخای شاهین برخلاف یوسف و زلیخای شعرای دیگر فقط یک داستان افسانه ای نیست، بل چنان که ابتدای این مبحث تاکید شد، این داستان نیز در محور انگیزه های مذهبی تاریخی دور می زند. بدین سبب ابتدا و انتهای این داستان مغایر با داستان های یوسف و زلیخای شعرای دیگر است. یوسف و زلیخای شاهین در واقع از آفرینش آسمان و زمین، آدم و حوا، طیور و وحوش، نوح و ابراهیم و اسحاق و یعقوب شروع و به اندرز یعقوب به دوازده پسران و حمل جنازه یوسف از مصر به سرزمین کنعان ختم می شود. شاهین کوشیده است چهره سنتی این داستان را تا آن جایی که مقدور بوده حفظ کند. در این جا نیز پاره ای از اسامی مانند زلیخا به جای زن پوتیفار (فوطیفرع عزیز مصر) و مالک از ادبیات فارسی اقتباس شده است. یوسف و زلیخا در سال ۱۳۵۸ میلادی نوشته شده و شامل ۸۷۰۰ بیت است. وزن این داستان مانند موسی نامه است». (آمنون نتصر، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران، مقدمه، ص ۳۹)

در زیر، با زندگی نامه و نمونه‌شعر شاهین آشنا خواهیم شد، که سراینده نخستین داستان یوسف و زلیخا و نیز موسی نامه و اردشیر نامه به زبان فارسی و خط عبری است. اگر کسی فرصت کند تا داستان کامل یوسف زلیخای شاهین را با دقت سطر به سطر بخواند، آن گاه پاپه‌اولیه و اصلی سریال یوسف صدا و سیما را خواهد یافت، که این همه به دنبال آن می‌گشته ایم.

«مولانا شاهین شیرازی بزرگ‌ترین شاعر یهودی پارسی‌گوی است که در اواسط قرن چهاردهم میلادی در شیراز می‌زیسته است. وی نیز نخستین یهودی ایرانی است که در صحنه ادبیات یهود ایران درخشان گردیده و شعر سروده است. شاهین از نظر وسعت معلومات و کیفیت و کمیت شعری سرآمد و ره‌گشای همه شعرای یهود ایران بوده است. شعرای یهود در اشعار خود اغلب او را ستوده‌اند و عموماً از سبک او پیروی کرده‌اند. کما این که خواجه بخارائی شاعر یهودی قرن هفدهم (۱۶۰۶ میلادی) درباره او به خود می‌گوید: «به شاهین هم‌رهی کی می‌توانی، تو گنجشک ضعیفی، باز مانی».

(آمنون نتصر، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران، متن اصلی، ص ۹)

برابر معمول، همین چند سطر زندگی‌نامه شاهین را فرصت و شاهی برای وجود شیراز قرن چهاردهم میلادی گرفته‌اند. اینک فقط می‌کوشم تا تمام حواس خواننده‌های مندرج را به حجت‌های مندرج در چند سطر زیر جلب کنم.

«آغاز سخن بنا نهادم، برنام احد زبان گشادم

برنام کریم و قادر پاک، سازنده عرش و لوح و افلاک

خلاق نبود و بود دوران، علام و علیم نطق مرغان

بخشند هتاج و تخت شاهی، روزی ده مور و مرغ و ماهیداننده رازهای پنهان، معبود مکان نوک ارکان‌غنام و رحیم کل اشیا، هستی ده کوه و دشت و دریادانای رقوم تخمه پاک، شمع دل عاشقان غمناک‌گنجور عطا و کان اومید، دارنده ماه و مهر و ناهید» (آمنون نتصر، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران، متن اصلی، ص ۱۰۷)

این ابیات آغازین اردشیر نامه شاعری یهودی و شاهین نام به زبان فارسی و با خط عبری است. آیا این سروده کلاسیک و آب‌دار بر زبان فارسی آموخته‌ای گذشته و یا اثر شاعری است که با تسلط کامل، به زبان مادری خویش، شعر می‌گفته است؟! و نیز اگر به دنبال بخشش این زبان به فارسیان، کنیسه برای تکمیل لوازم ملت‌سازی خود، چنین شاعری را مامور کند تا دیوانی نیز با نام یک فارس، مثلاً حافظ و یا مولانا بسراید، از عهده بر نمی‌آید؟! و نیز درخواست کنندگان کسب حقیقت را به این سؤال هدایت کنم که: چرا یهودیان پس از بخشیدن زبان محلی خود به فارسیان، دیگر دیوان و کتاب فارسی-یهودی ننوشته و همه چیز را به فارسیان واگذارده‌اند تا تکثیر همان متون پیشین را این بار به خط عرب و به نام خود ادامه دهند!!!

پایان باب اول

ادامه دارد...

ماخذ - "برآمدن صفویه" جلد 6، صفحه 60 - 74 (تاملی در بنیان تاریخ ایران؛ ناصر پورپیرار).